

بررسی معنای عبارت حکمت هنر اسلامی و ارتباط این عبارت با ضرورت هنر اسلامی

مجتبی نظری^{*۱}

۱- کارشناس ارشد معماری، دانشکده فنی و مهندسی، پردیس علوم تحقیقات کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران.
Mojtaba1211@yahoo.com

چکیده:

در مورد کلمه حکمت و هنر هر کدام به صورت جداگانه می‌توان تعاریف متفاوتی داشته باشیم اما هنگامی که این دو کلمه در کنار هم قرار می‌گیرند و با اضافه شدن کلمه اسلامی معانی خروجی آن می‌تواند متفاوت باشد. تا جایی که بتوان از آن دو یا چند برداشت متفاوت داشت. آنچه مشخص است معنی لغت نامه‌ای کلمه حکمت است که به معنی دانایی و در اصطلاح استواری و رخنه ناپذیری می‌باشد.

در این مقاله سعی شده که معنی خروجی که از جمله حکمت هنر اسلامی در ذهن انسان نقش می‌بندد را با معنی واقعی آن مقایسه شود و برای این کار از تحقیقات میدانی و سوال از دانشجویان و اساتید رشته ادبیات انجام شده تا به این نتیجه برسم که آیا آنچه که از معنی جمله حکمت هنر اسلامی در ذهن نقش می‌بندد و معنای واقعی آن است با معنی مهاوره‌ای آن متفاوت است یا اینکه نه این دو معنی کاملاً با هم برابرند یا لااقل نزدیک به هم می‌باشند. و بعد با تحقیقات از روی مقاله‌ها و کتاب‌های مختلف شباهت و یا تفاوت معنی بین دو جمله حکمت هنر اسلامی و ضرورت هنر اسلامی را پیگیری شده تا به این نتیجه برسم که آیا این دو جمله می‌تواند یک معنی واحد داشته باشد یا اینکه نه معنی این دو جمله کاملاً باهم متفاوت است و برای رسیدن به این موضوع سیرتحول بناهای مختلف در قبل و بعد از اسلام مورد بررسی قرار گرفته و دلیل این تغییرات را در معماری بیان شده که در این بین نه به تفاوت و تضاد در معنای خروجی این دو جمله بلکه به رابطه این دو جمله پی می‌بریم که امیدوارم در ادامه بحث، این رابطه را به درستی توضیح دهم و بتوانم ضرورت هنر اسلامی را توضیح دهم و بعد از آن به این نتیجه برسم دلایلی که این ضرورت به حکمت تبدیل شده منطبق بودن این ضرورت‌ها با فطرت انسانی می‌باشد.

کلید واژه‌ها: حکمت، هنر، ضرورت، تحول

مقدمه

دلیل انتخاب این موضوع سوالی بود که در این مورد در ذهن خودم ایجاد شده بود و باتوجه به معانی خاصی که در فرهنگ لغات برای کلمه حکمت گفته شده و تفاوت آن با معنی که در جامعه مصطلح و رایج است و این مصطلح بودن نه تنها در بین اقشار پایین دست و می‌توان گفت بیسواد و کم سواد بلکه در بین افراد تحصیلکرده نیز رایج بوده، و معنی که به صورت خاص در لغت نامه‌ها به کار رفته مانند (دانایی یا در اصطلاح رخنه ناپذیری) برای بسیاری حتی در بین قشر تحصیل کرده‌ی ما چه در زمینه هنر و چه در زمینه علوم انسانی و حتی ادبیات نا مانوس بود.

این مسئله را به صورت میدانی تحقیق کردم. این افراد با اینکه این معنی خاص لغت نامه‌ای را قبول داشتند اما اذعان می‌کردند که در مهاوره‌ها این کلمه را به معانی دیگری به کار می‌برند.